

رابطه دلبستگی و سبک‌های والدگری با رفتارهای خوردن: نقش واسطه‌ای نظم‌جویی هیجان و ذهنی‌سازی کودکان

Relationship Between Attachment Styles and Parenting Styles with Eating Behaviors: The Mediation Roles of Emotion Regulation and Mentalization in Children

Roya Jilz
PhD Candidate in Educational
Psychology, Tabriz University
Tabriz, Iran

Zeynab Khanjani, PhD
Tabriz University
Tabriz, Iran

زینب خانجانی*
استاد گروه روان‌شناسی
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

رویا جیلز
دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی
دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

Touraj Hashemi, PhD
Tabriz University, Tabriz, Iran

تورج هاشمی
استاد گروه روان‌شناسی
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

چکیده

هدف این پژوهش تعیین نقش واسطه‌ای نظم‌جویی هیجان و ذهنی‌سازی در رابطه بین دلبستگی و سبک‌های والدگری با رفتارهای خوردن کودکان بود. روش پژوهش توصیفی-همبستگی و جامعه آماری کودکان شهر تبریز در سال ۱۴۰۱ بود. تعداد ۲۴۰ نفر به روش نمونه‌برداری تصادفی خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند و به پرسشنامه رفتار خوردن کودکان واردل، کوتری، ساندerson و راپوپورت (۲۰۰۱)، فهرست نظم‌جویی هیجان (شیلدز و چیکتی، ۱۹۹۸)، پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۹)، پرسشنامه سبک فرزندپروری (دارلینگ و تویوکاوا، ۱۹۹۷) و پرسشنامه ذهنی‌سازی فونای، تارگت، استیل و استیل (۱۹۹۸) پاسخ‌دادند. نتایج تحلیل معادلات ساختاری بیانگر برآزش مطلوب مدل پژوهش بود. نتایج نشان داد دلبستگی و هر سه سبک والدگری پاسخگر، خودپیروی و درخواست‌گری و رفتارهای خوردن با واسطه‌گری نظم‌جویی هیجانی رابطه معناداری دارند. همچنین آشکار شد نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی در رابطه سه سبک پاسخ‌گری، خودپیروی و درخواست‌گری و دلبستگی با رفتارهای خوردن کودکان معنادار نیست. این نتایج نشان می‌دهد متخصصان تغذیه و روان‌شناسان کودک در بررسی و درمان مشکلات رفتارهای خوردن کودکان باید به نقش نظم‌جویی هیجانی کودکان با توجه به دلبستگی آن‌ها به والدین و هم‌چنین سبک والدگری که برای این کودکان به کار برده می‌شود توجه کنند.

واژه‌های کلیدی: نظم‌جویی هیجانی، ذهنی‌سازی، دلبستگی، سبک والدگری، رفتارهای خوردن

Abstract

The purpose of the study was to investigate the relationship between attachment and parenting styles with eating behaviors through the mediation of emotional regulation and mentalization of children. The research method was descriptive-correlation. The statistical population was formed by the children of Tabriz city in 2023. 240 people were selected as a sample by cluster random sampling. The research tools include Children's Eating Behavior Questionnaire (CEBQ) by Wardle, Guthrie, Sanderson & Rapoport (2001), Emotion Regulation Checklist (ERC) by Shields and Cicetti (1998), Inventory of Parents and Peer Attachment-Revised (IPPA) by Armsden and Greenberg (1989), Parenting Style Inventory 2 (PSI II) by Darling and Toyokawa (1997) and the mentalization questionnaire by Fonagy, Target, Steele & Steele (1998). Structural equation analysis was used to analyze the data. The results showed the optimal fit of the research model. The results showed that attachment and all three responsive parenting styles, autonomy and solicitation and eating behaviors with the mediation of emotional regulation have a significant relationship. Also, revealed that the mediating role of mentalization in the relationship between the three styles of responsiveness, autonomy and request and attachment with children's eating behaviors is not significant. These results show that nutritionists and child psychologists in examining and treating children's eating behavior problems should pay attention to the role of children's emotional regulation with regard to their attachment to their parents as well as the parenting style used for these children.

Keywords: emotional regulation, mentalization, attachment, parenting style, eating behavior

received: 06 April 2024

accepted: 30 December 2024

دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

*Contact information: dr.khanjaani@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری روان‌شناسی تربیتی است.

مقدمه

در چند دهه اخیر، میزان شیوع اضافه وزن و چاقی از یک سو و از سوی دیگر کمبود وزن در دوران کودکی در سراسر جهان به یک مشکل اساسی در نظام بهداشت جوامع تبدیل شده است (کارکی، شرستا و سوبدی، ۲۰۱۹). تمایل به واکنش بیشتر یا کمتر به غذا یا حساسیت به سیری می‌تواند باعث شود که هر فردی از سنین پایین وزن خود را افزایش دهد یا اگر اشتهای ضعیفتری دارد، وزن اضافه نکند (کینینمونث و دیگران، ۲۰۲۱). رفتار غذا خوردن به اعمال، افکار و تمایلاتی اطلاق می‌شود که موجود زنده برای ورود غذا به داخل بدن از خود نشان می‌دهد (دونی، ۲۰۱۴). در یکی از جامع‌ترین مدل‌ها، هشت سبک غذا خوردن برای کودکان مشخص شده است؛ چهار سبک به عنوان سبک‌های منعکس‌کننده گرایش به غذا (پاسخ به غذا^۱، لذت از غذا^۲، تمایل به نوشیدنی^۳ و پرخوری هیجانی^۴) و چهار سبک منعکس‌کننده اجتناب از مصرف غذا (پاسخ‌های سیری^۵، آهستگی در غذا^۶، بهانه‌گیری در مورد غذا^۷ و کم‌خوری هیجانی^۸) در نظر گرفته شده است (واردل و دیگران، ۲۰۰۱). رفتارهای غذا خوردن در کودکان از عوامل اصلی و معنادار در افزایش یا کاهش نابهنجار وزن محسوب می‌شود و شناسایی متغیرهای مرتبط و تبیین‌کننده آن در جهت تدارک مداخله‌های مناسب یک مسئله و ضرورت مهم محسوب می‌شود (الی و هام، ۲۰۱۵). بنظر می‌رسد والدین محیط‌های غذایی و تجربیات مربوط به غذا و خوردن غذا را در کودکان تحت تأثیر قرار می‌دهند (ساگلیونی و دیگران، ۲۰۱۸؛ هاسلام، پونیمن، فیلوس، سومارگی و بودیمن، ۲۰۲۰).

یکی از عوامل مؤثر در رفتارهای تغذیه‌ای کودک نحوه و میزان پاسخ‌دهندگی^۹ و حساسیت^{۱۰} مادرانه نسبت به علایم کودک است. دلبستگی^{۱۱} مهم‌ترین پیوند عاطفی است که بین کودک و مراقبانش ایجاد

می‌شود و اگر شکل ایمنی نداشته باشد منجر به مشکلات مختلفی در کودکان می‌شود (استرن و دیگران، ۲۰۱۸). دلبستگی پیوند یا گره هیجانی پایدار بین دو فرد است به شکلی که یکی از طرفین تلاش می‌کند نزدیکی یا مجاورت با موضوع دلبستگی^{۱۲} را حفظ کند (خانجانی، ۲۰۲۰). والدین کودکانی که دلبستگی ایمن‌تر دارند، پاسخ‌گوترند، بیشتر از استقلال کودک حمایت می‌کنند، از راهبردهای کنترل رفتاری بیشتر و از راهبردهای مهار پرخاشگرانه کمتری استفاده می‌کنند (کوهن و کرنس، ۲۰۱۸). کودکان با دلبستگی ایمن‌تر هیجان مثبت بیشتر و هیجان منفی کمتری را تجربه می‌کنند، عواطف منفی کمتری را بیان می‌کنند، بهتر می‌توانند هیجان‌ها را تنظیم کنند و اغلب از راهبردهای مقابله‌شناختی و حمایت اجتماعی استفاده می‌کنند. در مقابل کودکانی که به‌صورت اجتنابی بیشتر دلبسته‌اند، هیجان‌های مثبت عمومی کمتری را تجربه می‌کنند، کمتر قادر به نظم‌جویی هیجان‌ها هستند و کمتر از راهبردهای مقابله‌شناختی یا حمایت اجتماعی استفاده می‌کنند. در نهایت کودکانی که دلبستگی اضطرابی دارند، عواطف منفی عمومی بیشتری را تجربه می‌کنند و کمتر قادر به نظم‌جویی هیجان‌ها هستند (کوک، کوچندورفر، استوارت - پارینگون، کوهن و کرنس، ۲۰۱۹). پاسخ‌دهندگی والدین به‌عنوان نشانگر اصلی دلبستگی ایمن می‌تواند با تغذیه سالم و فعالیت بدنی کودک همراه شود و از سویی دیگر عدم پاسخ‌گویی، حمایت و یا مهارگری بیش از حد می‌تواند با پیامدهای کمبود یا اضافه وزن کودک همراه شود (امیرفخرایی، رضایی و دشتبزرگی، ۲۰۱۹؛ پینکوارت، ۲۰۱۴). دلبستگی به‌عنوان سازه اصلی و نشان‌دهنده کیفیت تعامل مراقب - کودک جهت‌دهنده رفتارهای خوردن کودکان است (ایوینسکی و دیگران، ۲۰۲۱؛ سعیدا، بسطامی، موتابی و صفرپور، ۲۰۲۲؛ محمدی، محمدی، اسماعیلی سودرجانی،

1 - food responsiveness

2 - enjoyment of Food

3 - drink desire

4 - emotional over eating

5 - satiety responsiveness

6 - slowness in eating

7 - food fussiness

8 - emotional under eating

9 - responsiveness

10 - sensitivity

11 - attachment

12 - figure attachment

نصرتی و بزی، ۲۰۲۲).

یکی دیگر از عوامل مؤثر در رفتارهای غذایی کودکان شیوه‌های والدگری یا سبک‌های فرزندپروری^۱ است (دارلینگ و استینبرگ، ۲۰۱۷). سبک‌های والدگری را می‌توان به شیوه‌های سرمایه‌گذاری والدین در جهت تربیت و رشد فرزندان تلقی کرد که با توجه به محدودیت‌ها، ترجیحات و زمینه‌های سرمایه‌گذاری والدین بر کودکان، سبک‌های متفاوتی به خود می‌گیرند (بابایی، تولائی، شریفی اردانی و رجبی، ۲۰۲۴؛ کوب - کلارک، سالامانکا و زهو، ۲۰۱۹). بامریند (۱۹۹۱) پیشنهاد کرد که والدین مستبد^۲ سعی می‌کنند رفتار فرزندان خود را بر اساس مجموعه مطلق استانداردها شکل دهند، کنترل و ارزیابی کنند. در حالی که والدین سهل‌گیر^۳، گرم‌تر هستند و به جای کنترل کردن، به کودکان بیشتر استقلال اعطا می‌کنند. سبک مقتدرانه^۴، تعادلی در اعطای استقلال کنترل و گرم بودن با کودک را رعایت می‌کنند. والدین بیش از حد محافظت‌کننده و مقتدر الگوهای بسیار مشابهی را در استفاده از شیوه‌های غذایی والدگری نشان می‌دهند؛ به عنوان مثال نظارت بر مصرف غذا، مدل‌سازی، و ترویج مصرف غذای سالم و در دسترس بودن در خانه. والدین بیش از حد محافظ نیز استفاده بیشتر از فشار برای خوردن و درگیری را گزارش کردند. والدین مستبد گزارش کردند که از کنترل رفتارهای غذایی، نظم‌جویی هیجان‌ها، استفاده از غذا به عنوان پاداش و کنترل دریافت غذا برای کنترل وزن استفاده زیادی می‌کنند (ون‌در هورست و اسلیدنس، ۲۰۱۷). لذت بردن از غذا، پرخوری هیجانی، پاسخ‌دهی به غذا، پاسخ‌دهی به سیری و آشفتگی غذا از جمله رفتارهای غذایی کودکان با مشکل چاقی است که متأثر از والدگری است (دمیر و بکتس، ۲۰۱۷). علاوه بر این نشان داده شده که والدین با رویه‌های اجبار به تغذیه منجر به افزایش سطح اضطراب کودکان در رفتارهای غذا خوردن می‌شوند (التون و دیگران، ۲۰۲۰). نتایج یک مرور نظام‌دار

نشان می‌دهد که رفتارهای والدین، به‌ویژه رفتارهای غذایی آن‌ها بر رفتارهای خوردن، وزن و چاقی کودکان تأثیر دارد (گرامر، بلانتکین، برچ، مارکسون و ویلفلی، ۲۰۲۲). به‌طور خاص پرخوری هیجانی کودکان توسط رفتارهای والدگری والدین قابل پیش‌بینی است (جانسن و دیگران، ۲۰۲۲؛ کول، آن، لی و دونوان، ۲۰۱۷). عدم پاسخ‌گویی به همراه شیوه‌های تغذیه کنترل‌گر با پرخوری و کم‌خوری هیجانی مرتبط است (سامپیک، کانو و فرانکل، ۲۰۳۳؛ شالینی و دیگران، ۲۰۲۳).

مهم‌ترین مسئله در درک چگونگی اثر سبک‌های والدگری بر مشکلات کودکان، درک و شناخت فرایندها و متغیرهایی است که از طریق آن‌ها سبک والدگری بر تحول و رفتار کودک تأثیر می‌گذارد و جنبه عملیاتی‌شدن سبک والدگری را به نمایش می‌گذارد (درلینگ و استینبرگ، ۲۰۱۷). برای دلبستگی نیز چنین به‌نظر می‌رسد که سبک‌های دلبستگی به مرور تبدیل به الگوی عملی درونی^۵ می‌شوند و متغیرهای دیگری مانند نظم‌جویی هیجان‌ها جنبه عملیاتی‌شدن دلبستگی برای اثرگذاری کودک بر محیط است (پورتقی، شیخ الاسلامی، خرمایی و حسین چاری، ۲۰۲۲؛ مولین، والدفوگل و واشبروک، ۲۰۱۸). ناتوانی کودک در خودنظم‌جویی منجر به بروز مشکل در رفتارهای خوردن می‌شود و خودنظم‌جویی کودکان تا حدود زیادی متأثر از والدین کودک است (پاور و دیگران، ۲۰۱۸؛ لاباری و دیگران، ۲۰۲۱). از خودنظم‌جویی‌های مهمی که بر رفتارهای کودکان اثر قابل توجهی دارد، نظم‌جویی هیجان^۶ است. نظم‌جویی هیجانی به‌عنوان یک سری فرایندهای درونی و بیرونی، هشیار و ناهشیار، ارادی و غیرارادی درک می‌شود که مسئول ارزیابی و اصلاح پاسخ‌های هیجانی در فرایندهای اجزای فیزیولوژیکی، شناختی و رفتاری خود است که همیشه با هدف دستیابی به اهداف شخصی و اجتماعی است (سباتایر و دیگران، ۲۰۱۷). از طریق تجارب مکرر پاسخ‌های والدین، کودکان راهمایی را برای مدیریت

هیجان‌ها و فرصتهایی برای یادگیری و کشف به‌دست می‌آورند (مولین و دیگران، ۲۰۱۸). علاوه بر این دیدگاه‌های نظری، پژوهش‌ها نیز نشان داده که دلبستگی (کوک و دیگران، ۲۰۱۹؛ گیرم، جونز، فلک، سیمپسون و اورال، ۲۰۲۱) و سبک‌های والدگری (جایین، انیس - یول - هکو و رایز، ۲۰۱۳) بر نظم‌جویی هیجان کودکان اثر معناداری دارد. برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دلبستگی نایمن به مادر، پدر و همسالان در کودکان و نوجوانان می‌تواند منجر به کاهش نظم‌جویی هیجانی مثبت شود (سپهریان آذر و دیگران، ۲۰۱۴؛ نسابیان و اسدیان، ۲۰۱۸). علاوه بر این دلبستگی ایمن در کودکان می‌تواند مانع از شکل‌گیری رفتارهای هیجانی و هیجان‌خواهی شود (جلوانی، عابدینی و آقایی، ۲۰۱۵). از سوی دیگر نظم‌جویی هیجان با رفتارها و اختلال‌های خوردن کودکان رابطه معنادار دارد و ناتوانی در نظم‌جویی هیجان پیش‌بینی‌کننده چاقی در کودکان است (اوبلدوبل، بروماریو و کرنس، ۲۰۲۳؛ پاول، فرانکل و هرماندز، ۲۰۱۷؛ پرسینل، اوزبران، کاس، سیمسک و دارسن، ۲۰۱۸؛ تامیلتو و دیگران، ۲۰۲۲؛ فرزادی، بهروزی و شهنی‌بیلاق، ۲۰۲۱؛ فرر، گرین، اوه، هنسی و دویر، ۲۰۱۷). علاوه بر این نظم‌جویی هیجان در گروه‌های سنی مختلف تعدیل‌کننده اثرگذاری متغیرهای بنیادی و زمینه‌ای بر رفتارها و اختلال‌های خوردن است (سلطانی، صالحی و بسطامی، ۲۰۲۰؛ محمودی و پناغی، ۲۰۲۱).

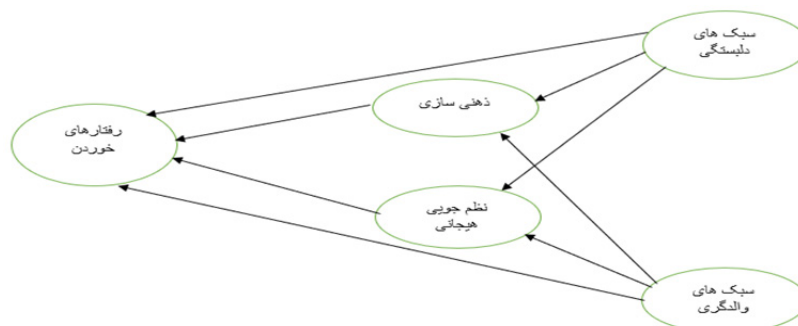
ذهنی‌سازی^۱ یکی دیگر از توانایی‌های کودکان است که متأثر از والدین، به‌ویژه دلبستگی والد - کودک است و می‌تواند به نوعی تنظیم‌کننده پاسخ‌های درونی و بیرونی کودک، به‌ویژه پاسخ‌های هیجانی کودک باشد (میدگلی، انسینک، لیندکویست، مالبرگ و مولر، ۲۰۱۷). ذهنی‌سازی به معنای توانایی تصور وضعیت روانی خود و دیگران است؛ وضعیت روانی شامل افکار، احساسات، تمایلات، آرزوها، اهداف و مقاصد فرد است (جرگلی، فوناگی، جوریست و تارگت، ۲۰۰۲). حساسیت و پاسخ‌دهندگی مادر بیشترین تأثیر را

در رشد ظرفیت ذهنی‌سازی کودکان دارد. اگر مادر به اندازه کافی به کودک خود واکنش نشان دهد، زمینه گسترش ذهنی‌سازی را در کودک فراهم می‌کند. هر چند باید متذکر شد که تمام واکنش‌های والدین و اطرافیان می‌تواند بر ذهنی‌سازی کودک اثر بگذارد (لایتن، میرس، نیجسنس و فوناگی، ۲۰۱۷). اگرچه به‌طور خاص نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی در رابطه بین دلبستگی با رفتارهای خوردن کودکان بررسی نشده است، با این حال نشان داده شده که ذهنی‌سازی رابطه بین دلبستگی با پاسخ‌های هیجانی و رفتاری کودکان را واسطه‌گری می‌کند (اسدی، بخشی‌پور رودسری، محمودعلیلو و سیدموسوی، ۲۰۲۰؛ افلاک‌سیر، یزدانی‌مهر، سرافراز و تقوی، ۲۰۲۳؛ انسینک و دیگران، ۲۰۲۳؛ پارادا - فرناندز، هررو - فرناندز، اولیوا - ماسیاس و رهو، ۲۰۲۱؛ ردوندو و لایتن، ۲۰۱۸؛ کورتس - گارسیا، مک‌لارن، وانوردن و شارپ، ۲۰۲۱؛ میر و دیگران، ۲۰۲۳). این رابطه برای نمونه‌ای متشکل از بزرگسالان زن نیز نشان داده شده است که ذهنی‌سازی میانجی دلبستگی با آسیب‌پذیری روان‌شناختی است (سانتورو، میدولو، کوستانزو و شیمنتی، ۲۰۲۰). این نتایج در پژوهش‌های دیگری نیز با مشارکت جوانان و بزرگسالان تکرار شده است و نتایج حاکی از اثر مستقیم و غیرمستقیم دلبستگی بر ذهنی‌سازی است (دروگر، فتحی‌آشتیانی و اشرفی، ۲۰۲۰؛ صفری موسوی، صادقی و سهوندی، ۲۰۲۲). همچنین کیفیت سبک والدگری و مراقبت والدین بر ذهنی‌سازی اثرگذار است، اگرچه این یافته از نمونه بزرگسالان به‌دست آمده است (برون، والدن، ادل، دیمایو، ۲۰۱۶). نتایج یک پژوهش مروری نیز حاکی از نقش ذهنی‌سازی در اختلال‌های روانی نظیر اختلال‌های خوردن و همچنین در زمینه‌های مختلف مانند والدگری است (احمدی، باقری و موسویان، ۲۰۲۱). همسو با نظریه دلبستگی، الگوهای عملی درونی کودک می‌تواند مکانیزم اثر تعامل والد - کودک بر پیامدهای تحولی و مشکلات رفتاری باشد (سیدموسوی و نوری مقدم، ۲۰۱۵). از سوی دیگر نتایج یک فراتحلیل

که عوامل تبیین‌کننده آن مورد توجه قرار گیرد. در همین رابطه به‌نظر می‌رسد ناتوانی در خودنظم‌جویی مانند ناتوانی در نظم‌جویی هیجان و ذهنی‌سازی که منجر به ارائه پاسخ‌های ناسازگار و تجربه هیجانی منفی می‌شود، در رفتارهای خوردن کودکان نقش دارد. از سوی دیگر نیز دلبستگی و سبک‌های والدگری نقش اساسی در خودنظم‌جویی کودکان، به‌ویژه نظم‌جویی هیجان و ذهنی‌سازی، ایفا می‌کند. با وجود این دیدگاه‌های نظری و پژوهشی که پیشتر به آن‌ها اشاره شد، اما این خلاء وجود دارد که روابط میان این متغیرها با توجه به نقش واسطه‌ای نظم‌جویی هیجان و ذهنی‌سازی در جهت افزایش دانش از رفتارهای خوردن کودکان مورد توجه قرار نگرفته است. در همین راستا این پژوهش در جهت رفع این خلاء و افزایش دانش پیرامون رفتارهای خوردن کودکان در پی پاسخ به این پرسش بود که آیا میان دلبستگی و سبک‌های والدگری با رفتارهای خوردن با واسطه‌گری نظم‌جویی هیجانی و ذهنی‌سازی کودکان رابطه وجود دارد؟

نشان داد که افراد با اختلال‌های خوردن در مقایسه با گروه کنترل در ذهنی‌سازی توانایی کمتری دارند (سیمونس، جاکوبسن، گروتود و تلوس، ۲۰۲۰). به‌طور مشابه در مورد کودکان نیز نشان داده شده که آسیب در دلبستگی و ذهنی‌سازی، به‌صورت معناداری در آسیب‌شناسی غذا خوردن کودکان نقش دارند (کولیر و دیگران، ۲۰۱۶). همچنین بررسی نیم رخ بالینی ۱۵۷ بیمار مبتلا به اختلال خوردن نیز حاکی از نقش معنادار دلبستگی، نظم‌جویی هیجان و ذهنی‌سازی در این اختلال است (گولو و دیگران، ۲۰۲۰).

در مجموع می‌توان گفت که مشکلات در وزن کودکان به‌صورت اضافه وزن و کمبود وزن می‌تواند زمینه مشکلات بعدی کودکان باشد و سلامت و ایمنی آن‌ها را مختل کند. در همین راستا شناسایی متغیرهای مرتبط و تبیین‌کننده آن در جهت مداخله‌های درمانی و پیشگیری مسئله‌ای مهم به‌نظر می‌رسد. با توجه به اینکه رفتارهای خوردن کودکان علت اساسی مشکلات وزن کودکان محسوب می‌شود، بنابراین، ضروری است



شکل ۱. مدل پیشنهادی پژوهش

خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا از مناطق مختلف شهر تبریز، ۶ منطقه انتخاب و سپس از هر یک از این مناطق یک مدرسه و از هر مدرسه نیز یک کلاس برای پژوهش انتخاب شدند. لازم به ذکر است که مادران به پرسشنامه رفتارهای خوردن کودکان و پرسشنامه نظم‌جویی هیجان کودک پاسخ دادند و کودکان نیز به پرسشنامه سبک فرزندپروری، مقیاس دلبستگی به والدین و همسالان و پرسشنامه ذهنی‌سازی پاسخ دادند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از: رضایت آگاهانه از شرکت در پژوهش،

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی و جامعه آماری کودکان ۹ الی ۱۲ سال مدارس ابتدایی و متوسطه اول شهر تبریز در سال ۱۴۰۱ بود که مادران آن‌ها نیز جهت پاسخ‌گویی به برخی از پرسشنامه‌ها در پژوهش شرکت داده شدند. حداقل حجم نمونه لازم برای تحلیل معادلات ساختاری ۲۰۰ نفر پیشنهاد شده است (گارور و منتزر، ۱۹۹۹). با در نظر گرفتن این ملاک و در نظر گرفتن ۲۰ درصد احتمال ریزش، حجم نمونه ۲۴۰ نفر برآورد شد که با روش نمونه‌برداری تصادفی

عدم ابتلا به اختلال روان‌شناختی و جسمی حاد (طبق اظهار نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش)، عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی، عدم اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی مادر و دامنهٔ سنی ۹ الی ۱۲ سال برای کودکان. عدم پاسخ‌گویی به حداقل ۵ درصد از سؤالات پرسشنامه‌ها و درخواست خروج از پژوهش حین پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها ملاک‌های خروج از پژوهش بود. از جمله ملاحظات اخلاقی مورد توجه شامل اختیاری بودن شرکت در پژوهش و محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات شرکت‌کنندگان بود. از ۲۴۰ کودک شرکت‌کننده در پژوهش ۱۲۹ کودک (۵۳/۸۰ درصد) دختر و ۱۱۱ کودک (۴۶/۲۰ درصد) پسر بودند. ۸۶ نفر (۳۵/۸۰ درصد) از مادران تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم، ۱۴۰ نفر (۵۳/۸۰ درصد) تحصیلات کاردانی یا کارشناسی، ۱۰ نفر (۴/۲۰ درصد) تحصیلات کارشناسی ارشد و ۴ نفر (۱/۷۰ درصد) تحصیلات دکتری داشتند. از این مادران ۵۳ نفر (۲۳/۸۰ درصد) شاغل و ۱۸۳ نفر (۷۶/۲۰ درصد) خانه‌دار بودند. در نهایت میانگین و انحراف استاندارد سن کودکان شرکت‌کنندگان در پژوهش به‌ترتیب ۱۰/۹۲ و ۰/۸۰ و مادران نیز ۴۲/۲۷ و ۵/۷۹ بود. ابزارهای اندازه‌گیری در این پژوهش عبارت بود از:

پرسشنامهٔ رفتار خوردن کودکان^۱ (واردل و دیگران، ۲۰۰۱). این پرسشنامه ۳۵ ماده و ۸ زیرمقیاس ۳ تا ۵ ماده‌ای دارد و براساس لیکرت ۵ درجه‌ای از هرگز (نمره ۱) تا همیشه (نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. زیرمقیاس‌ها عبارتند از: ۱) پاسخ به غذا ۲) لذت از غذا ۳) پرخوری هیجانی ۴) تمایل به نوشیدنی‌های شیرین ۵) پاسخ‌های سیری ۶) آهستگی در خوردن غذا ۷) بهانه‌گیری در مورد غذا و ۸) کم‌خوری هیجانی. چهار زیرمقیاس اول، مقیاس‌های گرایش به غذا^۲ است که تمایل مثبت به خوردن را نشان می‌دهد و چهار زیرمقیاس دوم، مقیاس‌های اجتناب از غذا^۳ است که تمایل منفی به مصرف غذا را می‌سجد. سازندگان این پرسشنامه ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۷۵ تا ۰/۹۱ را برای

زیرمقیاس‌های آن گزارش کرده‌اند که حاکی از اعتبار پرسشنامه است (واردل و دیگران، ۲۰۰۱). همچنین دوموف، میلر، کسروی و لومنگ (۲۰۱۵) همبستگی میان زیرمقیاس‌های پرسشنامه با شاخص تودهٔ بدنی کودکان را بالای ۰/۲۷ گزارش دادند که حاکی از روایی همگرایی مطلوب پرسشنامه است. دشت‌بزرگی و عسگری (۲۰۱۷) با استفاده از شاخص آلفای کرونباخ نشان دادند که پرسشنامه دارای همسانی درونی برابر با ۰/۸۳ و زیرمقیاس‌ها بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۹ است و روایی صوری نیز با استفاده از نظر متخصصان با مقدار بالای ۰/۷۰ تأیید شد. در این پژوهش مقادیر ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های پرسشنامه ۰/۷۳ تا ۰/۸۹ به‌دست آمد.

فهرست نظم‌جویی هیجان^۴ (شیلدز و چیکتی، ۱۹۹۸). این فهرست ۲۴ ماده‌ای دارای دو مؤلفهٔ نظم‌جویی هیجان انطباقی^۵ و بی‌ثباتی/منفی‌گرایی^۶ است و به‌صورت لیکرت ۴ گزینه‌ای از ۱ (به ندرت) تا ۴ (تقریباً همیشه) پاسخ داده می‌شود. اعتبار فهرست با روش آلفای کرونباخ برای بی‌ثباتی/منفی‌گرایی ۰/۸۰ و برای نظم‌جویی هیجان انطباقی ۰/۸۸ گزارش شده و در تأیید روایی واگرایی آن، مقدار همبستگی با آزمون ادراک احساس بین ۰/۱۴ تا ۰/۲۵ به‌دست آمده است (خیمنز-دسی، کویتانیلا، گوریز-پلومد، خیمنز-گارسیا و دیگران، ۲۰۲۲). در ایران ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار توسط شفیع‌تبار، کبری چرمپینی و مولایی (۲۰۲۰) بر روی ۴۷۱ دانش‌آموز بررسی شد؛ روایی محتوایی ماده‌ها و کل ابزار بالاتر از ۰/۷۰ و اعتبار آن به روش آلفای کرونباخ برای دو عامل نظم‌جویی هیجان انطباقی و بی‌ثباتی/منفی‌گرایی به‌ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۶۹ به‌دست آمد. در این پژوهش مقادیر آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس نظم‌جویی هیجان انطباقی و بی‌ثباتی/منفی‌گرایی به‌ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۷ به‌دست آمد.

پرسشنامهٔ ذهنی‌سازی^۷ (فوناگی، تارگت، استیل و استیل، ۱۹۹۸). این پرسشنامه در قالب دو فرم

1 - Children Eating Behavior Questioner (CEBQ)

2 - approach to food

3 - avoid food

4 - Emotion Regulation Checklist (ERC)

5 - adaptive emotional regulation

6 - instability/negativity

7 - Mentalization Questionnaire (MQ)

دلبستگی به والدین ۰/۸۷ و همبستگی بین خودپنداشت اجتماعی با دلبستگی به والدین ۰/۴۶ گزارش شده است که حاکی از روایی همگرایی این سیاهه است (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۹). در ایران راهیما و شیخ اسلامی (۲۰۱۶) روایی سازه سیاهه با روش تحلیل عاملی (مقدار کایزر-میر-اولکین برابر ۰/۸۲ و ضریب کرویت بارتلت برابر ۱۹۴۷/۸۹ و $P < ۰/۰۰۱$) را تأیید و والدین گزارش کردند. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ دلبستگی به والدین ۰/۸۵ به دست آمد.

پرسشنامه سبک والدگری^۶ (دارلینگ و تویوکاوا، ۱۹۹۷). این پرسشنامه ۱۵ مادهای سه زیرمقیاس دارد: درخواست‌گری^۷ (درجه انتظارات و استانداردهای والدین از فرزندان؛ مادهای ۱، ۷، ۸، ۱۲ و ۱۴)، پاسخ‌گری^۸ (درجه حساس بودن و پاسخ‌گویی به نیازهای هیجانی فرزندان؛ مادهای ۲، ۵، ۱۱، ۱۳ و ۱۵) و خودپیروی^۹ (درجه اجازه به گسترش ایده‌ها، عقاید و دیدگاه‌های فرزندان؛ مادهای ۳، ۴، ۶، ۹ و ۱۰). نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم صورت می‌گیرد. سازندگان با تأیید مدل سه عاملی پرسشنامه به‌عنوان روایی سازه پرسشنامه، مقدار آلفای کرونباخ آن را برای برای سه زیرمقیاس درخواست‌گری، پاسخ‌گری و خودپیروی به‌ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۴ و ۰/۷۵ گزارش کردند. مهرداد صدر، خادم الرضا، اخباری، علمائی و هاشمیان (۲۰۱۷) ضمن تأیید روایی سازه مدل سه عاملی پرسشنامه، ($RMSEA = ۰/۰۱$)، ضریب اعتبار آن را با روش بازآزمایی با فاصله دو هفته ۰/۷۷ گزارش کردند. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های پرسشنامه بین ۰/۷۶ تا ۰/۹۲ به دست آمد.

برای تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و همچنین تحلیل معادلات ساختاری و روش بوت استرپ جهت بررسی اثرات واسطه‌ای استفاده شد.

۴۶ مادهای و ۲۶ مادهای ساخته شده است که فرم ۲۶ مادهای آن در ایران توسط دروگر و دیگران (۲۰۲۰) هنجاریابی شده است که ۱۲ ماده آن به دلیل ضریب همسانی دورنی پایین از نسخه فارسی حذف و ۱۴ ماده آن حفظ شده است. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً غلط (صفر) تا کاملاً درست (نمره ۴) انجام می‌شود. در نسخه ۱۴ مادهای فارسی مادهای ۱ تا ۹ عامل اطمینان^۱ و مادهای ۱۰ تا ۱۴ عامل عدم اطمینان^۲ را می‌سنجد. ضریب همسانی دورنی برای عامل اطمینان و عدم اطمینان به‌ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۶۷ گزارش شده است (فونگی، لایتون، مولتون - پرکینس، لی، وارن و دیگران، ۲۰۱۶). همچنین اعتبار بازآزمایی با فاصله سه هفته برای مؤلفه عدم اطمینان ۰/۸۵ و برای مؤلفه اطمینان، ۰/۷۴ و دروگر و دیگران (۲۰۲۰) مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای عامل اطمینان ۰/۸۸ و برای عامل عدم اطمینان ۰/۶۶ گزارش داده‌اند. همچنین این مؤلفان نشان دادند هر دو عامل پرسشنامه با پرسشنامه‌های اضطراب-افسردگی و دلبستگی روایی همگرا معناداری با ضریب همبستگی ۰/۱۷ تا ۰/۳۷ دارند. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌ها و نمره کل پرسشنامه بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۴ به دست آمد.

سیاهه دلبستگی به والدین و همسالان^۳

(آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۹). این سیاهه شامل ۲۴ ماده است که بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم نمره‌گذاری می‌شود. ۱۲ ماده اول ادراک دلبستگی به والدین^۴ و ۱۲ ماده آخر ادراک دلبستگی به همسالان^۵ را می‌سنجد (در این پژوهش از مقیاس دلبستگی به والدین استفاده شد. لازم به ذکر است که نمره بالاتر بیانگر دلبستگی ایمن‌تر است. سازندگان این سیاهه، ضریب بازآزمایی با فاصله سه هفته را برای دلبستگی به والدین ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند و همبستگی بین خودپنداشت خانواده با

1 - certainty

2 - uncertainty

3 - Inventory of Parent and Peer Attachment (IPPA)

4 - perception of attachment to parents

5 - perception of attachment to peers

6 - Parenting Style Inventory (PSI II)

7 - request

8 - responsiveness

9 - autonomy

یافته‌ها

در جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش آمده است.

جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

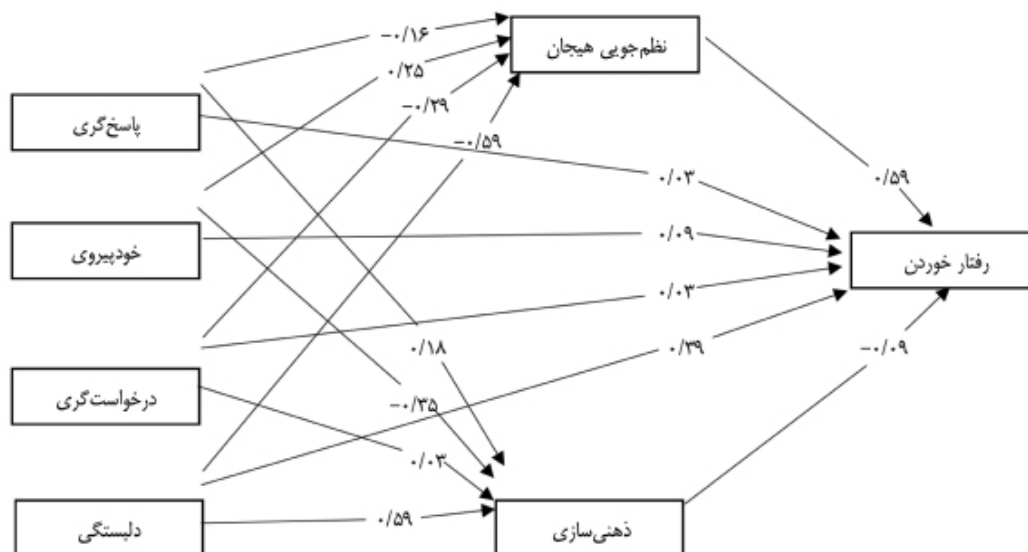
متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
رفتارهای خوردن	۴۰/۷۰	۶/۲۲	-								
۱. اجتنابی	۴۸/۰۴	۶/۵۴	-۰/۱۴*	-							
۲. گرایشی	۳۲/۲۹	۶/۱۰	۰/۳۳**	-۰/۰۵	-						
۳. بی‌ثباتی	۱۹/۰۲	۶/۳۶	-۰/۱۴*	۰/۰۶	-۰/۱۹**	-					
۴. نظم‌جویی انطباقی	۱۸/۹۷	۵/۸۶	-۰/۱۳*	-۰/۱۳*	-۰/۲۵**	۰/۱۳*	-				
۵. اطمینان	۱۰/۸۲	۲/۴۵	۰/۲۵**	-۰/۰۱	۰/۴۴**	-۰/۱۱	-۰/۱۹**	-			
۶. عدم اطمینان	۱۳/۶۵	۴/۸۸	-۰/۱۸**	-۰/۰۵	-۰/۱۸**	۰/۱۸**	۰/۰۹	۰/۱۸**	-		
۷. پاسخ‌گری	۱۵/۷۴	۴/۷۳	۰/۱۴**	-۰/۰۶	۰/۳۴**	-۰/۱۳*	۰/۱۵*	۰/۳۳**	-۰/۰۵	-	
۸. خودپیروی	۱۲/۲۶	۴/۰۳	-۰/۳۷**	۰/۰۲	-۰/۴۴**	۰/۱۹**	۰/۱۸**	-۰/۲۷**	۰/۱۸**	۰/۳۳**	-
۹. درخواست‌گری	۳۳/۳۸	۱۱/۵۰	-۰/۲۶**	۰/۰۱	-۰/۵۳**	۰/۲۷**	۰/۲۹**	-۰/۴۰**	۰/۲۰**	۰/۱۹**	-۰/۳۰**
۱۰. دلبستگی											

** P<۰/۰۱, *P<۰/۰۵

اطمینان رابطه منفی دارد و با بقیه متغیرها رابطه معناداری ندارد.

در بررسی مفروضات تحلیل معادلات ساختاری، با توجه به اینکه شاخص کجی و کشیدگی در محدوده ۱+ تا ۱- قرار داشت، بنابراین شکل توزیع متغیرها در شرایط تقریباً نرمالی قرار دارد. همچنین مقادیر آماره تحمل برای متغیرها بیشتر از ۰/۴۰ و همچنین مقادیر آماره VIF کمتر از ۲ بود، بنابراین همخطی میان متغیرهای پیشین پژوهش نگران‌کننده نبود. همچنین مقدار بهدست آمده برای آزمون دوربین واتسون برابر با ۲/۶۰ بین مقدار مناسب ۱/۵ الی ۲/۵ قرار داشت، بنابراین می‌توان گفت که فرض استقلال مقادیر خطا از یکدیگر نیز رعایت شده است. در شکل ۱ نگاره مدل اصلاحی پژوهش ارائه شده است.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۱ نشان داد دلبستگی با مؤلفه اجتنابی رفتارهای خوردن، بی‌ثباتی متغیر نظم‌جویی هیجان و عدم اطمینان متغیر ذهنی‌سازی رابطه منفی و با مؤلفه انطباقی متغیر نظم‌جویی هیجان و اطمینان متغیر ذهنی‌سازی رابطه مثبت معناداری دارد. همچنین مؤلفه اجتنابی رفتارهای خوردن با پاسخ‌گری و درخواست‌گری در والدگری رابطه منفی و با خودپیروی رابطه مثبت معناداری دارد اما برای رفتارهای گرایشی خوردن این رابطه معنادار نبود. همچنین رفتارهای گرایشی غذا خوردن با مؤلفه بی‌ثباتی نظم‌جویی هیجان و عدم اطمینان ذهنی‌سازی رابطه مثبت و با مؤلفه‌های انطباقی نظم‌جویی هیجان و اطمینان ذهنی‌سازی رابطه منفی نشان می‌دهد. در نهایت رفتارهای گرایشی غذا خوردن کودکان با مؤلفه



شکل ۱. نگاره مدل اصلاحی پژوهش

در جدول ۲ شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی و اصلاحی پژوهش ارائه شده است.

شاخص						
AGFI	GFI	CFI	IFI	NFI	RMSEA	χ^2/df
≥ 0.90	≥ 0.90	≥ 0.90	≥ 0.90	≥ 0.90	≥ 0.10	≥ 3
0.94	0.98	0.98	0.98	0.94	0.04	1/42

در جدول ۳ نتایج اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش بر رفتارهای خوردن کودکان ارائه شده است.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد مقادیر شاخص‌های برازش مدل پژوهش در سطح بسیار مطلوبی قرار دارد.

متغیر				
اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	P	متغیر
0.39	0.08	3/06	0.03	دلبستگی ← رفتارهای خوردن
0.02	-0.06	0.10	0.44	پاسخ‌گری ← رفتارهای خوردن
0.09	-0.08	0.26	0.93	خودپیروی ← رفتارهای خوردن
0.03	-0.13	0.19	0.46	درخواست‌گری ← رفتارهای خوردن
0.59	0.15	6/25	0.01	نظم‌جویی هیجان ← رفتارهای خوردن
-0.09	-0.59	0.32	0.67	ذهنی‌سازی ← رفتارهای خوردن
-0.28	-0.42	-0.14	0.001	دلبستگی ← نظم‌جویی هیجانی ← رفتارهای خوردن
-0.18	-0.29	-0.07	0.003	پاسخ‌گری ← نظم‌جویی هیجانی ← رفتارهای خوردن
0.28	0.13	0.41	0.001	خودپیروی ← نظم‌جویی هیجانی ← رفتارهای خوردن
-0.38	-0.59	-0.17	0.002	درخواست‌گری ← نظم‌جویی هیجانی ← رفتارهای خوردن
-0.04	-0.33	0.10	0.54	دلبستگی ← ذهنی‌سازی ← رفتارهای خوردن
-0.03	-0.26	0.06	0.48	پاسخ‌گری ← ذهنی‌سازی ← رفتارهای خوردن
0.06	-0.13	0.47	0.52	خودپیروی ← ذهنی‌سازی ← رفتارهای خوردن
-0.01	-0.35	0.04	0.59	درخواست‌گری ← ذهنی‌سازی ← رفتارهای خوردن

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد اثر مستقیم متغیرهای دلبستگی ($P < 0.05$ و $\beta = 0.39$) و نظم‌جویی هیجان ($P < 0.01$ و $\beta = 0.59$) بر رفتارهای خوردن معنادار است ولی اثرات مستقیم مؤلفه‌های والدگری و ذهنی‌سازی بر رفتاری خوردن معنادار نیست. همچنین نتایج نشان داد اثر غیر مستقیم دلبستگی ($P < 0.001$ و $\beta = -0.28$)، و هر سه مؤلفه والدگری شامل پاسخ‌گری ($P < 0.01$ و $\beta = -0.28$)، خودپیروی ($P < 0.01$ و $\beta = -0.18$) و درخواست‌گری ($P < 0.01$ و $\beta = -0.38$) بر رفتارهای خوردن با واسطه‌گری نظم‌جویی هیجان معنادار است، اما نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی در رابطه رفتارهای خوردن با دلبستگی و مؤلفه‌های والدگری معنادار نبود.

بحث

هدف این پژوهش تعیین رابطه دلبستگی و سبک‌های والدگری با رفتارهای خوردن با واسطه‌گری نظم‌جویی هیجانی و ذهنی‌سازی کودکان بود. نتایج نشان داد دلبستگی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم و با واسطه‌گری نظم‌جویی هیجان بر رفتارهای خوردن کودکان اثر معناداری دارد. اگرچه پژوهش‌های قبلی به صورت مستقیم به بررسی چنین فرضیه‌ای نپرداخته‌اند، با این حال نتایج پژوهش‌های امیرفخرایی و دیگران (۲۰۱۹)، اوبلدویل و دیگران (۲۰۲۳)، پاول و دیگران (۲۰۱۷)، تامیلتو و دیگران (۲۰۲۲)، سعیدا و دیگران (۲۰۲۲)، فرزادی و دیگران (۲۰۲۱)، فرر و دیگران (۲۰۱۷) و محمدی و دیگران (۲۰۲۲) که رابطه بین نظم‌جویی هیجان با دلبستگی و رفتارهای خوردن را بررسی کرده‌اند، همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که رفتارهای خوردن کودکان با نحوه رشد و تربیت کودک در ارتباط است و کیفیت تعاملات مراقب و کودک بر رفتارهای خوردن اثرگذار است (ایونسکی و دیگران، ۲۰۲۱). به‌ویژه که کودکان برای تغذیه مناسب در جهت رشد سالم به مراقبین خود وابسته‌اند. والدین نه تنها در مورد دریافت مواد غذایی تصمیم می‌گیرند، بلکه بر محیط غذا و رفتارهای غذایی کودک نیز تأثیر گذارند (کول و دیگران، ۲۰۱۷).

بر همین اساس می‌توان این استدلال را مطرح کرد که دلبستگی کودکان به والدین با توجه به اینکه بر احساس امنیت و ادراک حسن نیت از مراقبان اثر می‌گذارد، احتمالاً بر رفتارهای غذا خوردن اثرگذار است. زمانی که مراقب کودک توجه کودک را به نشانه‌های گرسنگی و سیری جلب میکند، شیوه‌های تغذیه پاسخ‌گو در نظر گرفته می‌شود. این رفتارها ممکن است جو عاطفی مثبت‌تری در زمان صرف غذا ایجاد کند، زیرا مراقب نشانه‌های رفتاری و عاطفی کودک است. همچنین ممکن است مراقبان برای کودکانی که رفتارهای منفی خوردن کمتری در طول تغذیه از خود نشان می‌دهند، راحت‌تر پاسخ دهند. در مقابل، شیوه‌های تغذیه بی‌پاسخ بیشتر والدین محور هستند و با خواسته‌های والدین یا رفتارهای کنترل‌کننده‌ای مشخص می‌شوند که به نشانه‌های گرسنگی و سیری کودکان بی‌توجه هستند (ایونسکی و دیگران، ۲۰۲۱). بنابراین به نظر می‌رسد که رفتارهای والدین مبنی بر حس امنیت دادن به کودکان بر هیجان‌ها و خودنظم‌جویی کودکان اثرگذار است و با تنظیم این هیجان‌ها بر رفتارهای خوردن اثر می‌گذارد. بر اساس نظریه دلبستگی والدین سازگار و پاسخ‌گو نظم‌جویی هیجان‌ها را در کودکان در جهت تحول هیجانی و رشد فیزیکی تسهیل می‌کنند (کول و دیگران، ۲۰۱۷). ایجاد یک محیط امن و راحت احتمالاً می‌تواند با کاهش تنش هیجان‌ها و کمک به افزایش ثبات هیجانی منجر به رفتارهای غذا خوردن طبیعی و معمول در کودکان شود.

یافته دیگر پژوهش نیز حاکی از آن بود که سه سبک والدگری پاسخ‌گری، خودپیروی و درخواست‌گری هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم و با واسطه‌گری نظم‌جویی هیجان بر رفتارهای خوردن کودکان اثر معناداری دارند. این یافته با نتایج پژوهش‌های امیرفخرایی و دیگران (۲۰۱۹)، جانسن و دیگران (۲۰۲۲)، دمیر و بکتس (۲۰۱۷)، گرامر و دیگران (۲۰۲۲) و محمدی و دیگران (۲۰۲۲) همسو بود. در تبیین این یافته

می‌توان گفت که والدین مسئولیت اصلی را در تأمین غذا و کنترل بر رفتارهای غذا خوردن کودکان دارند. بر همین اساس قابل درک است که بر رفتارهای خوردن کودکان اثرگذار باشند. شیوه‌های والدگری خانواده به‌طور قابل توجهی با رفتارهای غذایی کودکان، ترجیحات غذایی، انتخاب غذا و اضافه وزن یا چاقی دوران کودکی مرتبط است، به این معنا که رفتارهای تغذیه ضعیف والدین در ایجاد مشکلات رفتاری خوردن در کودکان نقش دارد. اگر والدین سهل‌گیر باشند و خودپیروی بیش از حد به کودکان بدهند، فقدان راهنمایی و مقررات معقول می‌تواند منجر به رفتارهای خوردن مخربی مانند پرخوری، تند خوردن و رفتارهای غذایی اجتنابی شود. در مقابل در نظر گرفتن مقداری از درخواست‌گری و پاسخ‌گویی ضمن حفظ استقلال کودک می‌تواند راهنمایی و بازخورد لازم را فراهم آورد تا کودک رفتارهای غذا خوردن مناسب را از خود نشان دهد (شالینی و دیگران، ۲۰۲۳). با توجه به اینکه والدین در سبک‌های والدگری عموماً به نشانه‌ها و درخواست‌های غذایی کودکان پاسخ می‌دهند یا آن را نادیده می‌گیرند، احتمالاً بر تجربه هیجانی کودکان اثر می‌گذارند. در هدایت رفتارهای غذایی کودکان، والدین ممکن است به نشانه‌ها و درخواست‌های کودکان توجه نکنند یا با استفاده از فشار فیزیکی و روانی بخواهند غذا خوردن کودکان را جهت دهند. بر همین اساس بی‌توجهی یا فشار بیش از حد وارد کردن به کودک می‌تواند تعادل و نظم‌جویی هیجانی کودک را بهم بریزد. در مقابل باید توجه کرد کودکانی که سطوح بالاتری از رفتارهای منفی غذا خوردن و منفی‌گرایی را نشان می‌دهند ممکن است شیوه‌های تغذیه‌ای کنترل‌کننده و بی‌پاسخ را در والدین برانگیزند (پاور و دیگران، ۲۰۱۸). بنابراین، این احتمال وجود دارد که والدین با استفاده از فشار و برانگیختگی هیجانی سعی در هدایت و کنترل رفتارهای کودک را نشان دهند. از سوی دیگر از طریق تعامل حمایتی با والدین، کودکان یاد می‌گیرند که چگونه با موقعیت‌های ناراحت‌کننده و هیجان‌های طاقت فرسا بهتر کنار بیایند (هاسلام و

دیگران، ۲۰۲۰). بنابراین می‌توان این استدلال را مطرح کرد که حمایت‌گری و تعامل مثبت با کودک برای رفتارهای غذا خوردن احتمالاً به واسطه کاهش تنش‌های هیجانی و افزایش ثبات هیجانی منجر به رفتارهای مثبت غذا خوردن می‌شود.

نتایج به‌دست آمده نشان داد که نقش ذهنی‌سازی در رابطه بین دلبستگی و رفتارهای خوردن کودکان معنادار نیست و اثر مستقیم آن نیز معنادار نیست. پژوهش‌های پیشین به‌طور مستقیم به بررسی چنین فرضیه‌ای نپرداخته‌اند، اما پژوهش‌های اسدی و دیگران (۲۰۲۰)، افلاک سیر و دیگران (۲۰۲۳)، انسینک و دیگران (۲۰۲۳)، ردوندو و لایتین (۲۰۱۸)، کورتس-گاریسیا و دیگران (۲۰۲۱) و میر و دیگران (۲۰۲۳) نشان داده‌اند که ذهنی‌سازی با رفتارهای خوردن و دلبستگی رابطه دارد. با این حال این یافته‌ها نمی‌تواند متضاد با یافته پژوهش حاضر باشد، چرا که نمونه مورد مطالعه پژوهش‌های ذکر شده با نمونه مورد مطالعه پژوهش تفاوت دارد. به‌ویژه اینکه نمونه پژوهش‌های ذکر شده اغلب بزرگسالان و نوجوانان بوده است، در حالی که نمونه مورد مطالعه شامل کودکان بود. بنابراین این احتمال وجود دارد که تفاوت در نمونه دلیل تفاوت در نتایج به‌دست آمده باشد. البته این احتمال نیز وجود دارد که متغیرهای دیگری مکانیزم اثرگذاری دلبستگی بر رفتارهای خوردن کودکان باشد. در پژوهش حاضر نیز نشان داده شده که نظم‌جویی هیجان یکی از مکانیزم اثرگذاری دلبستگی بر رفتارهای خوردن کودکان است. نتایج هم‌چنین نشان داد نقش ذهنی‌سازی در رابطه بین سبک‌های والدگری و رفتارهای خوردن کودکان معنادار نیست. با این حال نتایج پژوهش‌های افلاک سیر و دیگران (۱۴۰۲)، انسینک و دیگران (۲۰۲۳)، ردوندو و لایتین (۲۰۱۸)، کورتس-گاریسیا و دیگران (۲۰۲۱)، میر و دیگران (۲۰۲۳) و محمدی و دیگران (۲۰۲۲) حاکی از این است که ذهنی‌سازی هم با سبک‌های والدگری و هم با رفتارهای خوردن رابطه دارد. البته پژوهش حاضر اگرچه همسو با یافته پژوهش‌های ذکر شده

منابع

- Aflakseir, A., Yazdanimehr, R., Sarafraz, M., & Taghavi, M. (2023). Relationship between mother's attachment style and mother-infant bonding in the first pregnancy: Mediating role of mentalization. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing Original Article*, 10(6), 30-41. [In Persian].
- Ahmadi, M., Bagherian, R., & Mosavi, S. M. H. (2021). Mentalization and its multidimensional nature. *Journal of Research in Behavioural Sciences*, 18(4), 616-622. [In Persian].
- Amirfakhraei, A., Rezaei, S., & DashtBozorgi, Z. (2019). Predicting of nursing students' eating disorder based on alexithymia, coping styles and cognitive emotion regulation. *Journal of Nursing Education*, 6(6), 9-17.
- Armsden, G. C., & Greenberg, M. T. (1987). The Inventory of Parent and Peer Attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 16(5), 427-454.
- Asadi, S., Bakhshipour Roudsari, A., Mahmoud Alilou, M. & Seyed Mousavi, P. (2020). The relationship between attachment security and emotional dysregulation of adolescent: The mediating role of mentalization ability. *Rooyesh*, 10 (12), 85-96. [In Persian].
- Babaei, F., Tavallaei, M., Sharifi Ardani, A., & Rajabi, R. (2024). Explaining the parents coping styles with children's negative emotions (CCNE) based on the characteristics temperament and character, considering the mediating role of emotion regulation among parents with autistic children. *Journal of Developmental Psychology Iranian Psychologists*, 20(77), 93-107. [In Persian].
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.
- Brüne, M., Walden, S., Edel, M.-A., & Dimaggio, G. (2016). Mentalization of complex emotions in borderline personality disorder: The impact of parenting and exposure to trauma on the performance in a novel cartoon-based task. *Comprehensive Psychiatry*, 15(64), 29-37.
- Cobb-Clark, D. A., Salamanca, N., & Zhu, A. (2019). Par
- نیست، اما نتایج متضادی با پژوهش‌های ذکر شده نیز نشان نداده است. با این حال وجود تفاوت در نمونه‌های مورد مطالعه به همراه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند سن و وضعیت اقتصادی اجتماعی احتمالاً متغیرهایی هستند که می‌توانند دلیلی بر تفاوت در نتایج به‌دست آمده باشد. علاوه بر این باید توجه کرد که در این پژوهش پرسشنامه رفتارهای خوردن توسط والدین پاسخ داده شده است. بنابراین، این احتمال وجود دارد که برداشتهای اشتباه یا سوگیری در پاسخ‌گویی بر اساس برداشتهای ذهنی منجر به چنین نتایجی شده باشد.
- در مجموع نتایج نشان داد نظم‌جویی هیجان در رابطه بین دلبستگی و سبک‌های والدگری با رفتارهای خوردن کودکان نقش واسطه‌ای معناداری دارد اما برای ذهنی‌سازی چنین نقش معناداری وجود نداشت. این نتایج نشان می‌دهد متخصصان تغذیه و روان‌شناسان کودک در بررسی و درمان مشکلات رفتارهای خوردن کودکان باید به نقش نظم‌جویی هیجانی کودکان با توجه به دلبستگی آن‌ها به والدین و همچنین سبک والدگری برای این کودکان توجه کنند. همچنین مراکز درمان مشکلات تغذیه کودکان و کلینیک‌های تغذیه کودک می‌توانند از نتایج به‌دست آمده برای ارزیابی و آموزش روان‌شناختی به والدین و کودکان دچار مشکلات تغذیه استفاده کنند.
- با توجه به اینکه برخی از پرسشنامه‌های پژوهش توسط مادران کودکان جواب داده می‌شد، این احتمال وجود دارد که برداشت مادران از کودک متأثر از سوگیری‌های شخصی شده باشد. این مورد تا حدودی اعتبار نتایج به‌دست آمده را با محدودیت روبرو می‌کند. همچنین نتایج به‌دست آمده محدود به کودکان بازه سنی ۹ تا ۱۲ سال است و قابل تعمیم به دیگر گروه‌های سنی نیست. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی گروه‌های سنی دیگری از کودکان نیز مورد بررسی قرار گیرد و پدران نیز در پژوهش شرکت داده شوند.

- Post-traumatic-stress in the context of childhood maltreatment: pathways from attachment through mentalizing during the transition to parenthood. *Frontiers in Psychology*, 14, 919736.
- Farzadi, F., Behroozi, N., & Shehni Yailagh, M. (2021). The causal relationship between parenting styles, attachment styles and indiscipline mediated by the emotional self-regulating mediation, social skills and theory of mind. *Journal of Family Psychology*, 3(2), 3-16. [In Persian].
- Ferrer, R. A., Green, P. A., Oh, A. Y., Hennessy, E., & Dwyer, L. A. (2017). Emotion suppression, emotional eating, and eating behavior among parent-adolescent dyads. *Emotion*, 17(7), 1052-1065.
- Fonagy, P., Luyten, P., Moulton-Perkins, A., Lee, Y.-W., Warren, F., Howard, S., Ghinai, R., Fearon, P., & Lowyck, B. (2016). Development and validation of a self-report measure of mentalizing: The Reflective Functioning Questionnaire. *PLOS ONE*, 11(7), 1-28.
- Fonagy, P., Target, M., Steele, H., & Steele, M. (1998). Reflective-Functioning Manual, Version 5.0, for application to adult attachment interviews. *London: University College London*, 10(4), 1-47.
- Gagliardini, G., Gullo, S., Tinozzi, V., Baiano, M., Balestrieri, M., Todisco, P., Schirone, T., & Colli, A. (2020). Mentalizing subtypes in eating disorders: A latent profile analysis. *Frontiers in Psychology*, 11, 24-36.
- Garver, M. S., & Mentzer, J. T. (1999). Logistics research methods: Employing structural equation modeling to test for construct validity. *Journal of Business Logistics*, 20(1), 33-57.
- Gergely, G., Fonagy, P., Jurist, E., & Target, M. (2002). Affect regulation, mentalization, and the development of the self. *International Journal of Psychoanalysis*, 77, 217-234.
- Girme, Y. U., Jones, R. E., Fleck, C., Simpson, J. A., & Overall, N. C. (2021). Infants' attachment insecurity predicts attachment-relevant emotion regulation strategies in adulthood. *Emotion*, 21(2), 260-272.
- Grammer, A. C., Balantekin, K. N., Barch, D. M., Markson, L., & Wilfley, D. E. (2022). Parent-child influences on child eating self-regulation and weight in early childhood: A systematic review. *Appetite*, 168, 105733.
- enting style as an investment in human development. *Journal of Population Economics*, 32(4), 1315-1352.
- Cole, N. C., An, R., Lee, S. Y., & Donovan, S. M. (2017). Correlates of picky eating and food neophobia in young children: A systematic review and meta-analysis. *Nutrition Reviews*, 75(7), 516-532.
- Cooke, J. E., Kochendorfer, L. B., Stuart-Parrigon, K. L., Koehn, A. J., & Kerns, K. A. (2019). Parent-child attachment and children's experience and regulation of emotion: A meta-analytic review. *Emotion*, 19(6), 1103-1126.
- Cortés-García, L., McLaren, V., Vanwoerden, S., & Sharp, C. (2021). Attachment, mentalizing, and eating disorder symptoms in adolescent psychiatric inpatients and healthy controls: A test of a mediational model. *Eating and Weight Disorders - Studies on Anorexia, Bulimia and Obesity*, 26(4), 1159-1168.
- Darling, N., & Steinberg, L. (2017). *Parenting style as context: An integrative model*. In *Interpersonal development* (pp. 161-170). London: Routledge.
- Dasht Bozorgi, Z., & Askari, P. (2017). Validity and reliability of the Children's Eating Behavior Questionnaire in Ahvaz city. *Journal of Psychology New Ideas*, 1 (2), 27-34. [In Persian].
- Demir, D., & Bektas, M. (2017). The effect of children's eating behaviors and parental feeding style on childhood obesity. *Eating Behaviors*, 26, 137-142.
- Domoff, S. E., Miller, A. L., Kaciroti, N., & Lumeng, J. C. (2015). Validation of the Children's Eating Behaviour Questionnaire in a low-income preschool-aged sample in the United States. *Appetite*, 95, 415-420.
- Downey, J. C. (2014). *Parenting practices related to positive eating, physical activity and sedentary behaviors in children: A qualitative exploration of strategies used by parents to navigate the obesogenic environment* Iowa State University. Retrieved July23, 2024 from: <https://dr.lib.iastate.edu/entities/publication>.
- Drogar, E., Fathi-Ashtiani, A., & Ashrafi, E. (2020). Validation and reliability of the Persian Version of the Mentalization Questionnaire. *Journal of Clinical Psychology*, 12(1), 1-12.
- Ensink, K., Bégin, M., Martin-Gagnon, G., Biberdzic, M., Berthelot, N., Normandin, L., & Borelli, J. L. (2023).

- ment: meta-analysis of associations with parenting behaviors in middle childhood and adolescence. *Attachment & Human Development*, 20(4), 378-405.
- La Barrie, D., Hardy, R. A., Clendinen, C., Jain, J., Bradley, B., Teer, A. P., Michopoulos, V., Vance, L. A., Hinrichs, R., Jovanovic, T., & Fani, N. (2021). Maternal influences on binge eating behaviors in children. *Psychiatry Research*, 295, 113600.
- Lee, G., & Ham, O. K. (2015). Factors affecting underweight and obesity among elementary school children in South Korea. *Asian Nursing Research*, 9(4), 298-304.
- Lucas-Molina, B., Giménez-Dasí, M., Quintanilla, L., Gorriz-Plumed, A. B., Giménez-García, C., & Sarmiento-Henrique, R. (2022). Spanish validation of the Emotion Regulation Checklist (ERC) in preschool and elementary children: Relationship with emotion knowledge. *Social Development*, 31(3), 513-529.
- Luyten, P., Mayes, L. C., Nijssens, L., & Fonagy, P. (2017). The parental reflective functioning questionnaire: Development and preliminary validation. *PLOS ONE*, 12(5), e0176218.
- Mahmoudi, S., & Panaghi, L. (2021). The mediating role of emotion regulation difficulty in the relationship between balanced and unbalanced family functions with symptoms of eating disorders in adolescents. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal*, 9(11), 55-64. [In Persian].
- Mehrad Sadr, M., Khadim al-Reza, N., Akhbari, S., Ulama, M., & Hashemian, S. (2017). Psychometric features of Persian Version of Parenting Styles Questionnaire. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 24 (1), 91-80. [In Persian].
- Meier, A. F., Zeeck, A., Taubner, S., Gablonski, T., Lau, I., Preiter, R., & Hartmann, A. (2023). Mentalization-enhancing therapeutic interventions in the psychotherapy of anorexia nervosa: An analysis of use and influence on patients' mentalizing capacity. *Psychotherapy Research*, 33(5), 595-607.
- Midgley, N., Ensink, K., Lindqvist, K., Malberg, N., & Muller, N. (2017). *Mentalization-based treatment for children: A time-limited approach*. American Psychological Association.
- Mohammadi, F., Mohammadi, A., Esmaili Souderjani, I., Haslam, D., Poniman, C., Filus, A., Sumargi, A., & Boediman, L. (2020). Parenting style, child emotion regulation and behavioral problems: The moderating role of cultural values in Australia and Indonesia. *Marriage & Family Review*, 56(4), 320-342.
- Iwinski, S., Cole, N. C., Saltzman, J. A., Donovan, S. M., Lee, S.-Y., Fiese, B. H., & Bost, K. K. (2021). Child attachment behavior as a moderator of the relation between feeding responsiveness and picky eating behavior. *Eating Behaviors*, 40, 101465.
- Jabeen, F., Anis-ul-Haque, M., & Riaz, M. N. (2013). Parenting styles as predictors of emotion regulation among adolescents. *Pakistan Journal of Psychological Research*, 28(1), 85-105.
- Jansen, E., Smith, K., Thapaliya, G., Sadler, J., Aghababian, A., & Carnell, S. (2022). Associations of mothers' and fathers' structure-related food parenting practices and child food approach eating behaviors during the COVID pandemic. *Physiology & Behavior*, 252, 113837.
- Jelvani, M., Abedi, A., & Aghaei, A. (2015). The relation between attachment styles with Sensation seeking in high school students in the city of Isfahan. *Iranian Journal of Rehabilitation Research in Nursing*, 1(3), 45-53. [In Persian].
- Jewell, T., Collyer, H., Gardner, T., Tchanturia, K., Simic, M., Fonagy, P., & Eisler, I. (2016). Attachment and mentalization and their association with child and adolescent eating pathology: A systematic review. *International Journal of Eating Disorders*, 49(4), 354-373.
- Karki, A., Shrestha, A., & Subedi, N. (2019). Prevalence and associated factors of childhood overweight/obesity among primary school children in urban Nepal. *BMC Public Health*, 19(1), 1055.
- Khanjani, Z. (2020). *Pathology of attachment and development from childhood to adolescence (2nd ed.)*. Tehran: Farozesh Publications. [In Persian].
- Kininmonth, A., Smith, A., Carnell, S., Steinsbekk, S., Fildes, A., & Llewellyn, C. (2021). The association between childhood adiposity and appetite assessed using the Child Eating Behavior Questionnaire and Baby Eating Behavior Questionnaire: A systematic review and meta-analysis. *Obesity Reviews*, 22(5), e13169.
- Koehn, A. J., & Kerns, K. A. (2018). Parent-child attach-

- self-reported assessments of caregivers' feeding styles: Variable-and person-centered approaches for examining relationships with children's eating behaviors. *Appetite*, 130, 174-183.
- Rahpeima, S., & Sheykholeslami, R. (2016). The mediating role of spiritual identity on the relationship between parent and peer attachment with resilience. *Contemporary psychology*, 11(1), 47-62. [In Persian].
- Redondo, I., & Luyten, P. (2018). The mediating role of mentalizing between attachment and eating disorders. *Bulletin of the Menninger Clinic*, 82(3), 202-223.
- Sabatier, C., Restrepo Cervantes, D., Moreno Torres, M., Hoyos De los Rios, O., & Palacio Sañudo, J. (2017). Emotion Regulation in Children and Adolescents: concepts, processes and influences. *Psicología Desde el Caribe*, 34(1), 101-110.
- Saeeda, S., Bastami, M., Mootabi, F., & Safarpour, F. (2022). Prediction cognitive emotion regulation strategies based on attachment styles with the mediating role of self-compassion. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal*, 11(5), 147-160. [In Persian].
- Safari Mousavi, S. S., Sadeghi, M., & Sepahvandi, M. A. (2022). The causal model of insecure attachment style and traumatic experiences mediated by mindfulness on the mentalization. *Psychological Models and Methods*, 12(46), 85-98. [In Persian].
- Sampige, R., Kuno, C. B., & Frankel, L. A. (2023). Mental health matters: Parent mental health and children's emotional eating. *Appetite*, 180, 106317.
- Santoro, G., Midolo, L. R., Costanzo, A., & Schimmenti, A. (2021). The vulnerability of insecure minds: The mediating role of mentalization in the relationship between attachment styles and psychopathology. *Bulletin of the Menninger Clinic*, 85(4), 358-384.
- Scaglioni, S., De Cosmi, V., Ciappolino, V., Parazzini, F., Brambilla, P., & Agostoni, C. (2018). Factors influencing children's eating behaviours. *Nutrients*, 10(6), 706.
- Sepehrian Azar, F., Asadi Majreh, S., Asadnia, S., & Farnoodi, L. (2014). The relationship between attachment and coping styles with emotion dysregulation in adolescence. *Studies in Medical Sciences*, 25(10), 922-930. [In Persian].
- Seyed Mousavi, P., & Noori Moghadam, S. (2015). At-Nosrati, M., & Bazzi, M. (2022). The role of emotion regulation in explaining obese adolescents' emotional eating disorder: The role of mediator mentalization. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal*, 11(5), 23-32. [In Persian].
- Moullin, S., Waldfogel, J., & Washbrook, E. (2018). Parent-child attachment as a mechanism of intergenerational (dis) advantage. *Families, Relationships and Societies*, 7(2), 265-284.
- Nesayan, A., & Gandomani, R. A. (2018). Prediction of emotion regulation based on attachment styles and perceived parenting styles in adolescents. *Journal of Pediatric Nursing*, 5(1), 1-10. [In Persian].
- Obeldobel, C. A., Brumariu, L. E., & Kerns, K. A. (2023). Parent-child attachment and dynamic emotion regulation: A systematic review. *Emotion Review*, 15(1), 28-44.
- Parada-Fernández, P., Herrero-Fernández, D., Oliva-Macías, M., & Rohwer, H. (2021). Analysis of the mediating effect of mentalization on the relationship between attachment styles and emotion dysregulation. *Scandinavian Journal of Psychology*, 62(3), 312-320.
- Percinel, I., Ozbaran, B., Kose, S., Simsek, D. G., & Darcı, S. (2018). Increased deficits in emotion recognition and regulation in children and adolescents with exogenous obesity. *The World Journal of Biological Psychiatry*, 19(2), 112-118.
- Pinquart, M. (2014). Associations of general parenting and parent-child relationship with pediatric obesity: A meta-analysis. *Journal of Pediatric Psychology*, 39(4), 381-393.
- Pourtaghi, V., Sheikholeslami, R., Khormaei, F., & Hoseinchari, M. (2022). Explanation social-emotional development of infants: The role of family financial stress, father involvement, and mother-infant attachment. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 19(74), 133-148. [In Persian].
- Powell, E. M., Frankel, L. A., & Hernandez, D. C. (2017). The mediating role of child self-regulation of eating in the relationship between parental use of food as a reward and child emotional overeating. *Appetite*, 113, 78-83.
- Power, T. G., Garcia, K. S., Beck, A. D., Goodell, L. S., Johnson, S. L., & Hughes, S. O. (2018). Observed and

- in *Clinical Psychology*, 15(57), 17-15. [In Persian].
- Stern, J. A., Fraley, R. C., Jones, J. D., Gross, J. T., Shaver, P. R., & Cassidy, J. (2018). Developmental processes across the first two years of parenthood: Stability and change in adult attachment style. *Developmental Psychology*, 54(5), 975-988.
- Tammilehto, J., Bosmans, G., Kuppens, P., Flykt, M., Peltonen, K., Kerns, K. A., & Lindblom, J. (2022). Dynamics of attachment and emotion regulation in daily life: Uni-and bidirectional associations. *Cognition and Emotion*, 36(6), 1109-1131.
- Van der Horst, K., & Sleddens, E. F. C. (2017). Parenting styles, feeding styles and food-related parenting practices in relation to toddlers' eating styles: A cluster-analytic approach. *PLOS ONE*, 12(5), e0178149.
- Walton, K., Daniel, A. I., Mahood, Q., Vaz, S., Law, N., Unger, S. L., & O'Connor, D. L. (2022). Eating behaviors, caregiver feeding interactions, and dietary patterns of children born preterm: A systematic review and meta-analysis. *Advances in Nutrition*, 13(3), 875-912.
- Wardle, J., Guthrie, C. A., Sanderson, S., & Rapoport, L. (2001). Development of the children's eating behaviour questionnaire. *The Journal of Child Psychology and Psychiatry and Allied Disciplines*, 42(7), 963-970.
- Živković-Rančić, Ž., & Todorović, J. (2023). Capacity for mentalization in adolescents: The contribution of parenting styles. *Zbornik Instituta Za Pedagoska Istrazivanja*, 55(1), 93-111.
- tachment and developmental consequences: the role of mental representations in predicting internalizing and externalizing problems of preschool children. *Evolutionary Psychology: Iranian Psychologists*, 12(47), 263-251. [In Persian].
- Shafietabar, M., Akbari Chermahini, S., & Molaei Yasavoli, M. (2020). Factorial structure and psychometric properties of the Emotion Regulation Checklist-Parent form. *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 7(3), 80-95. [In Persian].
- Shalini, K., Uloopi, K. S., Vinay, C., Ratnaditya, A., RojaRamya, K. S., & Chaitanya, P. (2023). Impact of parenting style on child's behavior and caries experience in 3–6-year-old children: A cross-sectional study. *International Journal of Clinical Pediatric Dentistry*, 16(2), 276-279.
- Shields, A., & Cicchetti, D. (1998). Reactive aggression among maltreated children: The contributions of attention and emotion dysregulation. *Journal of Clinical Child Psychology*, 27(4), 381-395.
- Simonsen, C. B., Jakobsen, A. G., Grøntved, S., & Telléus, G. (2020). The mentalization profile in patients with eating disorders: a systematic review and meta-analysis. *Nordic Journal of Psychiatry*, 74(5), 311-322.
- Soltani, M., Salehi, B., & Bastami, M. (2020). The mediating role of adaptive and maladaptive cognitive emotion regulation strategies on perfectionism and symptoms of binge eating disorder in female college students. *Thoughts and Behavior*